



نفاق فراتر از سازمان و گروه!

پدیده نفاق را نمی‌توان در قالب یک گروه ویژه محدود و تفسیر کرد، چرا که به این پدیده باید به شکل یک جریان نگریست؛ جریانی که همواره در مقابل حق صفا‌آرایی کرده است و با این وجود خود را خانه‌زاد حق می‌پندارد. تمامی پیامبران الهی و جانشینان ایشان گرفتار وارونه‌کاران چند چهره و چند چهرگان وارونه‌کار عصر خود بوده‌اند و از جانب این گروه و جریان مورد تهدید و آزار بسیار قرار گرفته‌اند. در مجموع، استراتژی نفاق از آغاز تاکنون به صورت مستمر و یکنواخت، ستیز و مبارزه همه جانبه با حق و یاران حق بوده و می‌باشد، گرچه تاکتیک‌های این جریان از زمانی تا زمان دیگر و از شرایطی تا شرایط دیگر، کاملاً رنگ به رنگ گشته است. آنچه که هست، نفاق یک مرتبه پدید نمی‌آید و شخصیت منافق یک باره ظهور نمی‌یابد.

هر فردی ممکن است هر از گاهی رگه‌ای از نفاق را در درون خود بیابد که به محض هوشیاری از وجود چنین رگه‌ای باید فوراً به خداوند منان پناه آورده، خود را اصلاح کند تا شر نفاق، دامن گیر او نشود.

قرآن نفاق را بیماری دل می‌داند که منشأ پیدایش آن را باید در کیش شخصیت افراد جستجو کرد. این آفت دل از زمانی شروع به رشد می‌نماید، که فرد در اندیشه تأمین هواهای نفسانی و زیاده‌طلبی‌های مادی و دنیوی، نفاق را عملاً در زندگی خود تجربه می‌کند. به مرور زمان این آفت، بزرگ و گسترده‌تر می‌گردد تا آنگاه که همه وجود فرد را فرا می‌گیرد. بدیهی است بیماری دل از بیماری تن به مراتب سخت‌تر و سهمگین‌تر است. از طرفی، مبارزه با نفاق و منافق نیز به مراتب پیچیده و مخاطره‌آمیزتر از مبارزه با کفر و بت‌پرستی است. چهره اسلام همواره از بابت رویارویی با منافقین گرفته و غم بار بوده است. پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از حضور منافقین در میان اصحاب خود کاملاً آگاه بود، اما نظر به این که چاره‌ای جز تحمل آنان نداشت، بسیار خون دل می‌خورد. چنانچه حضرت می‌خواست به طرد منافقین بپردازد، گروهی از اهل ایمان بر آن حضرت خرد می‌گرفتند، گروهی که شخصیت منافقین را نمی‌توانستند بازشناسی کنند و چه بسا آنان را از زمره بهترین‌ها می‌شناختند. دشمنان نیز آن حضرت را متهم به تصفیه یاران در آغاز رسالت الهی‌اش می‌کردند. خوشبختانه قرآن کریم به بهترین بیان و شیوه ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری منافقین را گوشزد فرموده است، به گونه‌ای که اندکی تأمل در قرآن، به مردم با ایمان فرصت و امکان می‌دهد تا با بصیرت کافی منافقین را از میان جمع خود بازشناسی کنند.

به موازات پیشرفت‌های نسبتاً چشمگیری که برای اسلام ناب حاصل شد، جریان نفاق نیز قوی و مرموزتر شد. وضعیت دوران ائمه هدی صلوات الله علیهم نیز در رویارویی با نفاق، بهتر از دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبود. آن بزرگواران نیز خون دل فراوان خوردند و مشکلات زیادی را متحمل شدند تا اسلام را از نفاق و شرارت منافقین نکه دارند. در دوران شکوهمند پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن نیز امام خمینی قدس سره‌الشریف با مشکل حضور دیوصفانه چند چهرگان، روبه‌رو شدند. واقعیت‌های بسیار تلخ و جانکاهی که به دست‌پلید منافقین بر امام و انقلاب و امت اسلامی تحمیل شد، هرگز از خاطره و حافظه ملت ما محو نمی‌شود. گرچه امام قدس سره‌الشریف با بصیرت الهی خود فتنه منافقین را برملا ساخت و مردم را از گرفتار شدن در چنگال نفاق برحذر داشت، با این وجود جریان نفاق، منافقانه رنگ به رنگ شد و چهره عوض کرد و بار دیگر چنگال تیز اهریمنی خود را، در بدنه نظام و انقلاب فرو برد و از شیرۀ جان دولت و ملت مکید. اکنون منافقین به گونه‌ای دیگر و مرموزانه‌تر از گذشته، سر از لاک خود بیرون آورده‌اند. هنوز که هنوز است، اسلام و انقلاب اسلامی از شر منافقین در امان نیست. مقام معظم رهبری دام‌ظله‌العالی، همچون امام و پیشوایان دین، در سال‌های اخیر، بارها و بارها خطر نفاق و نفوذ منافقین را گوشزد نموده‌اند. در هر صورت، مبارزه با منافقین کار ساده‌ای نیست، زیرا سازمان منافقین در قالب یک پدیده تاریخی و در اسکله یک گروه خاص نمی‌گنجد، بلکه فراتر از آن شامل افراد و سازمان‌ها و گروه‌هایی نیز می‌شود، که به خصوص در طول دو دهه گذشته همواره در صدد تسخیر سنگرها و ارکان نظام اسلامی برآمده‌اند. از این رو در این شماره یاران «فرهنگ پویا» بر آن شدند تا با بیان‌های گوناگون، چهره کربه نفاق و منافقین را بیش از پیش بنمایانند. باشد تا ماهیت زشت و پلید نفاق سازمان یافته به شکل جدید، برای همه روشن شود.